

کتاب یوئیل و کلیسای ادونتیست‌های روز هفتم لاودیکیه‌ای - شماره بیست‌وهفت

Jeff Pippenger

2026-01-14

شماره بیست‌وهفت

ما در حال ثبت حقایق هستیم که شیر قبیله یهودا اکنون مَهرشان را می‌گشاید. ما برای پرداختن به پیام یوئیل، که پطرس آن را در کتاب اعمال رسولان به‌عنوان پیام باران آخر معرفی کرد، حقایق را هم‌راستا می‌کنیم. به حقایق نزدیک می‌شویم که اکنون در فرایند تحقق‌اند؛ حقایق که جدایی نهایی دو گروه را به انجام می‌رسانند، دو گروهی که همواره هنگامی که حقیقتی آزمونگر مَهرگشایی می‌شود آشکار می‌گردند. همچنین به همین حقایق مَهرگشایی‌شده می‌پردازیم، نه تنها به‌عنوان سخنان فرشته سوم که جدا می‌کند، بلکه به‌عنوان سخنانی که مَهر شدن صد و چهل و چهار هزار نفر را محقق می‌سازند. فرشته سوم هم پالایش و هم تطهیر می‌کند.

از ژوئیه ۲۰۲۳، شیر قبیله یهودا به‌تدریج مَهر حقایق مربوط به خطوط بیرونی و درونی در تاریخ قوم باقیمانده خدا را گشوده است. اکنون کتاب متی را می‌گشاییم تا نقش پطرس را درک کنیم. پطرس نمادی از رابطه عهدی مسیح با عروس او، یعنی کلیسای است که آن را بر صخره بنا خواهد کرد. پطرس نماینده نخستین و نیز آخرین عروس مسیح است. پطرس به همان‌عنوان نماد، در آیه میانی فصل‌های یازدهم و بیست‌ودوم متی نمایانده شده است، و این فصل‌ها فصل‌های میانی خطوط موازی فصل‌های یازده تا بیست‌ودو در پیدایش و مکاشفه‌اند. پطرس در ایام آخر نماینده صد و چهل و چهار هزار است، و در این بخش، او در قیصریه فیلیپی است که همان پانزدهم دانیال ۱۱:۱۳-۱۵ است.

پطرس در پانزدهم است، و او همچنین در روز پنتیکاست، در بالاخانه در ساعت سوم، و سپس در هیکل در ساعت نهم حضور دارد. آن شش ساعت نمایانگر دوره‌ای است که طی آن، صد و چهل و چهار هزار مَهر می‌شوند و این فرایند به فرارسیدن قانون یکشنبه منتهی می‌گردد. مصلوب شدن مسیح نیز در ساعت سوم آغاز شد و او در ساعت نهم جان سپرد که به رستاخیز انجامید؛ رستاخیزی که آغازگر فصل پنتیکاست بود و آن فصل با پطرس در پنتیکاست، در ساعت سوم و نهم، پایان یافت. هنگامی که مشیت الهی انجیل را به سوی غیریهودیان فرستاد، کرنیلیوس در ساعت نهم کسی را نزد پطرس فرستاد. ساعت سوم همچنین نمایانگر قربانی صبحگاهی بود و ساعت نهم نمایانگر قربانی عصرگاهی.

دوره شش‌ساعته با بازه زمانی گردهمایی اردوگاهی اکستر و نومییدی بزرگ ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ بازنمایی می‌شد. در کتاب اعمال رسولان، پطرس چنین تصویر می‌شود که در پایان فصل یکم، وقتی متیاس به‌جای یهودا برگزیده می‌شود، با دیگرانی که صد و چهل و چهار هزار را تشکیل می‌دهند به وحدت می‌پیوندند. بدین‌سان آن عدد کامل شده است. در داستان یک روند مشخص شناسایی شده است.

پطرس ابتدا در اتاق بالا است و سپس در معبد. وقتی او در اتاق بالا است، ساعت سوم است و در معبد، ساعت نهم. سخنرانی در ساعت سوم باعث تعمید سه هزار نفر شد.

آنگاه کسانی که با شادمانی کلام او را پذیرفتند، تعمید یافتند؛ و در همان روز حدود سه هزار نفر به آنان افزوده شد. اعمال ۲:۴۱.

از شمارش پایان فصل اول تا معبد در ساعت نهم، این دوره نمایانگر مهر شدن صد و چهل و چهار هزار نفر است.

صد و چهل و چهار هزار، پیام عادل شمرده شدن از راه ایمان را اعلام خواهند کرد، که در حقیقت همان پیام فرشته سوم است. عادل شمرده شدن کار خداست در به خاک نشاندن جلال انسان، چنان که خواهر وایت به درستی خاطر نشان کرده است.

عادل شمردگی از راه ایمان چیست؟ این کار خداست که جلال انسان را به خاک فرو می‌نشانند و برای انسان کاری می‌کند که او توان انجامش را برای خود ندارد. وقتی انسان‌ها هیچ بودن خود را می‌بینند، آماده می‌شوند تا با عدالت مسیح پوشانده شوند. وقتی سراسر روز به ستایش و تمجید خدا می‌پردازند، آنگاه با نگرستن، به همان صورت دگرگون می‌شوند. تولد تازه چیست؟ یعنی آشکار ساختن برای انسان این حقیقت که ماهیت واقعی او چیست؛ اینکه او در خود بی‌ارزش است. این درس‌ها را هرگز نیاموخته‌اید. کاش می‌توانستید ارزش جان انسان را دریابید. Manuscript Releases، جلد ۲۰، ۱۱۷.

نمونه‌ای از پیام عادل شمردگی، چنان که از سوی صد و چهل و چهار هزار ارائه شده، جدعون است؛ که مرد عهد است، زیرا نامش به یروبعل تغییر یافت. پیام جدعون در این بود که مشعلی افروخته را در ظرفی سفالین گذاشت، سپس ظرف را شکست، شیپور نواخت و فریاد زد: «شمشیر خداوند و جدعون.» شمشیر جدعون نیز شمشیر خداوند بود، زیرا شمشیر، کلام خداست که ترکیبی از الوهیت و انسانیت است. آن پیام به وسیله شیپور و فریاد او، هنگام شکستن ظرف، نمایانده شد. آن ظرف نماد انسانیت است که باید شکسته شود، یا تا خاک فروتن گردد، تا شکوه نور خدا بدرخشد.

پیش از اعلام پیام، جدعون از طریق یک روند آزمون ۳۰۰ مرد جمع کرد. وقتی این روند به پایان رسید، جدعون سیصد مرد داشت. عدد ۳۰۰ عشر آن سه هزار نفری است که در روز پنتیکاست بودند. آن‌ها نمایانگر لشکری هستند که در حزقیال سی‌وهفت برمی‌خیزد و وارد عهد جاودانی می‌شود.

پس چنان که به من فرمان داد، نبوت کردم، و جان در آنان دمیده شد و زنده شدند و بر پاهای خود ایستادند؛ لشکری بس بزرگ. آنگاه به من گفت: ای پسر انسان، این استخوان‌ها تمامی خاندان اسرائیل‌اند. اینک می‌گویند: «استخوان‌های ما خشکیده است و امیدمان از دست رفته؛ ما به کلی منقطع شده‌ایم.» حزقیال ۱۰:۳۷، ۱۱

خانه اسرائیل از هم بریده و به اجزای خود جدا شده است، و حزقیال قرار است نشان دهد که چگونه بخش‌های یهودا و افرایم که قطع شده‌اند به یک قوم واحد تبدیل خواهند شد. آن سپاه از دو چوب دست جدا از هم تشکیل شده است، اما وقتی با خدا عهد می‌بندند، به یک چوب دست واحد به هم می‌پیوندند.

و نیز با ایشان عهد سلامتی خواهم بست؛ و آن با ایشان عهدی جاودانی خواهد بود؛ و ایشان را ساکن خواهم ساخت و بسیارشان خواهم کرد، و مقدسگاه خود را تا به ابد در میان ایشان خواهم نهاد. خیمه من نیز با ایشان خواهد بود؛ آری، من خدای ایشان خواهم بود و ایشان قوم من خواهند بود. و امت‌ها خواهند دانست که من، خداوند، اسرائیل را تقدیس می‌کنم، هنگامی که مقدسگاه من تا به ابد در میان ایشان خواهد بود. حزقیال ۲۶:۳۷-۲۸.

«کافران خواهند دانست که خداوند اسرائیل را تقدیس می‌کند، وقتی که او مکان مقدس خود را در میان ایشان قرار دهد. پیوستن مکان مقدس خدا به قوم خدا نمایانگر پیوستن هیكل انسانی با هیكل الهی است، و وقتی آن رخ دهد، سیصد نفر وفادار خدا مهر و موم می‌شوند، و جهان تنها با دیدن قومی که در خلال بحران قانون یکشنبه تقدیس می‌شوند هشدار داده می‌شود.

کار روح القدس این است که جهان را از گناه، از عدالت و از داوری ملزم سازد. جهان تنها زمانی هشدار می‌گیرد که ببیند آنان که به حقیقت ایمان دارند، به وسیله حقیقت تقدیس شده‌اند، بر اصول بلند و مقدس عمل می‌کنند و به شیوه‌ای والا خط فاصل میان کسانی را که فرامین خدا را نگاه می‌دارند و کسانی را که آنها را زیر پا می‌گذارند، نشان می‌دهند. تقدیس روح تفاوت میان کسانی را که مهر خدا را دارند و آنان را که روز استراحت جعلی‌ای را نگاه می‌دارند، آشکار می‌سازد. وقتی آزمون فرا برسد، به روشنی معلوم خواهد شد که نشان وحش چیست. این همان نگاه داشتن یکشنبه است. آنان که پس از شنیدن حقیقت، همچنان این روز را مقدس می‌شمارند، مهر مرد گناه را بر خود دارند؛ همان که در اندیشه داشت زمان‌ها و قوانین را تغییر دهد. مدرسه آموزش کتاب مقدس، ۱ دسامبر ۱۹۰۳.

قدسگاه خداوند زمانی با کلیسای او پیوند می‌یابد که کلیسا از کلیسای مجاهد به کلیسای پیروزمند تبدیل می‌شود. عهدی که حزقیال به آن اشاره می‌کند، در ارتباط با پیوستن دو عصا که یک قوم واحد را تشکیل می‌دهند، بیان شده است.

به ایشان بگو: چنین می‌گوید خداوند خدا: اینک عصای یوسف را که در دست افرایم است، و قبایل اسرائیل، یاران او، خواهم گرفت و ایشان را با او، حتی با عصای یهودا، قرار خواهم داد، و از ایشان یک عصا خواهم ساخت، و ایشان در دست من یک خواهند بود. و عصاهایی که بر آنها می‌نویسی در دستت در برابر چشمانشان خواهد بود. و به ایشان بگو،

چنین می‌گوید خداوند خدا: اینک، فرزندان اسرائیل را از میان امت‌هایی که بدانجا رفته‌اند برمی‌گیرم، و ایشان را از هر سو گرد می‌آورم و به سرزمین خودشان بازمی‌آورم؛ و ایشان را در آن سرزمین، بر کوه‌های اسرائیل، یک قوم خواهم ساخت؛ و یک پادشاه بر همه ایشان پادشاه خواهد بود؛ و دیگر دو قوم نخواهند بود و هرگز دیگر به دو پادشاهی تقسیم نخواهند شد؛ و دیگر خود را با بت‌هایشان، و با چیزهای نفرت‌انگیزشان، و با هیچ‌یک از گناهانشان نجس نخواهند ساخت؛ بلکه ایشان را از همه مساکنی که در آنها گناه کرده‌اند رهایی خواهم داد و پاکشان خواهم ساخت؛ آنگاه قوم من خواهند بود و من خدای ایشان خواهم بود. حزقیال ۱۹:۳۷-۲۳.

عصای افرایم و عصای یهودا دو پراکندگی ۲۵۲۰ ساله بر ضد افرایم و یهودا هستند که به ترتیب در سال ۱۷۹۸ و ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ به پایان رسیدند. آنها در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، هنگامی که کار تطهیر قوم او، یا قدس‌گاه او آغاز شد، به قوم واحد اسرائیل روحانی معاصر بدل شدند. آن تاریخ نمونه تاریخ صد و چهل و چهار هزار نفری است که به دست فرستاده عهد، که در هنگام قانون یکشنبه ناگهان به هیکل خود می‌آید، پالوده و پاکیزه (تطهیر) خواهند شد. وقتی آن پالایش تحقق یابد، درست پیش از قانون یکشنبه، کلیسای پیروزمند پادشاهی بر ایشان خواهد داشت، و آن پادشاه داود است که سلطنتش را در سی‌سالگی آغاز کرد. او همان داودی است که در متی باب یک، چهاردهمین نسل پس از ابراهیم است. این، شاهد سومی درباره داود در قانون یکشنبه را مشخص می‌کند. سپاه نیرومندی که از آن دو عصا برپا می‌شود، هنگامی که کلیسا از زوان‌ها پالوده گردد، به رهبری پادشاه داود خواهد بود.

و داود، بنده من، پادشاه ایشان خواهد بود؛ و همگی یک شبان خواهند داشت؛ نیز در احکام من سلوک خواهند نمود و فرایض مرا نگاه خواهند داشت و آنها را به‌جا خواهند آورد. و در زمینی که به یعقوب، بنده من، داده‌ام و پدران شما در آن ساکن بوده‌اند، ساکن خواهند شد؛ و در آن ساکن خواهند بود، خود ایشان و فرزندانشان و فرزندان فرزندانشان، تا ابد؛ و داود، بنده من، تا ابد سرور ایشان خواهد بود. حزقیال ۳۷:۲۴، ۲۵.

آن لشکر همچنین همان کاهنان باب دوم رساله اول پطرس است که هنگام آغاز خدمت خود سی‌ساله‌اند.

شما نیز، مانند سنگ‌های زنده، به منزله خانه‌ای روحانی و کهنات مقدس بنا می‌شوید تا قربانی‌های روحانی را تقدیم کنید؛ قربانی‌هایی که به وسیله عیسی مسیح نزد خدا مقبول‌اند. اول پطرس ۵:۲

نمونه آن کاهنان را می‌توان در سیصد واعظ پیرو میلر دید که سیصد نمودار ۱۸۴۳ منتشر شده را برگرفتند و با استفاده از آن نمودارها پیام را به نسل خود رساندند.

پس از اندکی بحث درباره این موضوع، به اتفاق آرا تصویب شد که سیصد نمونه مشابه این با چاپ سنگی تهیه شود و این کار به زودی انجام گرفت. آن‌ها را «نمودارهای ۴۳» می‌نامیدند. این یک کنفرانس بسیار مهم بود. خودزندگی‌نامه جوزف بیټس، صفحه ۲۶۳.

«اکنون تاریخ ما نشان می‌دهد که صدها نفر، همه از یک قماش، با همان نمودارهای زمانی که ویلیام میلر به کار می‌برد، تعلیم می‌دادند. سپس یگانگی پیام همه بر یک موضوع بود: آمدن خداوند عیسی در زمانی معین، ۱۸۴۴.» جوزف بیټس، جزوه‌های اولیه اس‌دی‌ای، ۱۷.

سیصد واعظ میلریتی کار خود را در دوره تاریخ فرشته نخست به انجام رساندند، و الهام به ما می‌گوید که فرشته نخست نماد فرشته سوم است. آنان بنا به گفته جوزف بیټس «همگی از یک قماش بودند». جدعون به سپاه سیصدنفره خود دستور می‌دهد همان‌گونه عمل کنند که او کرد. سیصد واعظ میلریتی، که سپاه سیصدنفره جدعون نمادشان بود، باید در ۱۱ سپتامبر در صف قرار گیرند؛ آنجا که پیام نخست قدرت می‌یابد و آزمون آغاز می‌شود.

آنگاه پروبعل، که همان جدعون است، و همه مردمی که با او بودند، بامدادان برخاستند و نزدیک چشمه حارود اردو زدند، به طوری که لشکر مدیانیان در شمال آنان، کنار تپه موره در دره، بود. و خداوند به جدعون گفت: مردمی که با تو هستند برای اینکه من مدیانیان را به دستشان بسپارم، بسپارند؛ مبادا اسرائیل بر من فخر کند و بگوید: «دست خودم مرا نجات داده است.» پس اکنون برو و در گوش مردم اعلام کن و بگو: هر که ترسان و هراسان است، بازگردد و شتابان از کوه جلعاد روانه شود. پس بیست و دو هزار نفر از مردم بازگشتند و ده هزار نفر باقی ماندند. و خداوند به جدعون گفت: مردم هنوز بسپارند؛ آنان را نزد آب فرود آور و در آنجا ایشان را برای تو بیازمایم. و هر که را به تو بگویم: «این با تو خواهد رفت»، همان با تو خواهد رفت؛ و هر که را به تو بگویم: «این با تو خواهد رفت»، همان نخواهد رفت.

پس قوم را نزد آب آورد؛ و خداوند به جدعون گفت: هر که آب را با زبان خود چون سگ می‌لیسد، او را جدا بنشان؛ و همچنین هر که برای نوشیدن بر زانوهای خویش خم می‌شود، او را نیز جدا بنشان. و شمار آنان که با دست خود آب را به دهان می‌بردند و می‌لیسیدند، سیصد مرد بود؛ اما باقی قوم بر زانوهای خویش خم شدند تا آب بنوشند. داوران ۱: ۷-۶.

نام جدعون به یربعل تغییر یافت، به معنای «ستیز با بعل». «جدعون» به معنای «درخت انداز» است و یوحنا تعمیددهنده تبر را پای درخت نهاد. یوحنا نماد ویلیام میلر بود، پیام‌آور فرشته اول، که جدعون نیز با آن هم‌راستا است. جدعون همان میلر است، ایلپای آلفا، در تاریخ سه فرشته.

مدیانیان دشمن شمالی‌اند و در کنار تپه موره اردو زدند، و جدعون کنار چاه حرود، که به معنای ترس و وحشت است. ۱۱ سپتامبر تروریسم را معرفی کرد و نخستین پیام دعوت به ترس از خداست. جدعون در ۱۱ سپتامبر، کنار چاه حرود (تروریسم)، و دشمن شمالی در دره، کنار تپه موره است که به معنای باران نخستین است. در ۱۱ سپتامبر پاشش باران پسین، که همان باران نخستین است، از تپه موره آغاز به باریدن کرد. پس از نخستین آن دو آزمون، ۲۲ هزار نفر از کوه جلعاد به خانه فرستاده شدند. جلعاد به معنای نشان راه است، و آن نشان راه که در آن ۲۲ هزار نفر به خانه فرستاده شدند، نخستین ناامیدی ۱۹ آوریل ۱۸۴۴ یا ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ است. عدد ۲۲ نشان راه نخستین ناامیدی را علامت می‌زند،

همان‌گونه که ۲۲ روزی را مشخص می‌کند که ناامیدی بزرگ در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ فرا رسید.

آزمون بعدی آزمون آب بود که در تاریخ میلریتی با اجتماع اردوگاهی اکستر به تصویر کشیده شد؛ جایی که دو خیمه مرتبط با آب وجود داشت و بدین‌سان دو دسته از عبادت‌کنندگان را نمایندگی می‌کرد. اکستر به معنی «دژ بر آب» است و چادر دیگر را باکره‌های نادان و اترتاون اشغال کرده بودند. اکستر نمایانگر آزمون آب جدعون است، اما موضوع نه خود آب، بلکه روش نوشیدن آن بود. یک دسته آن قدر خسته بودند که هنگام برداشتن آب نمی‌توانستند به حرکت ادامه دهند، و دسته دیگر به پیشروی ادامه دادند. یک دسته، دسته خستگان بود که به وسیله لیا نمایانده می‌شد، در تقابل با راحیل که مسافری خوب بود.

خدمت «America» America در ۱۱ سپتامبر در نقش جدعون بود، زمانی که نخستین دو آزمون قرار بود گروه بزرگی را از دسته جدعون تصفیه کند. تروریسم ۱۱ سپتامبر چاه جارود ترس و وحشت را مشخص می‌کند و تپه موره آغاز باران آخر را مشخص می‌کند. در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ جدایی‌ای رخ داد، زمانی که بیست و دو هزار نفر رفتند و بدین‌سان با عدد بیست و دو فرارسیدن زمان درنگ نشانه‌گذاری شد. سیصد نفر جدعون کسانی‌اند که از آزمون دوم می‌گذرند؛ آزمونی که آزمون روش‌شناسی باران آخر است، چنان‌که در اشعیا ۲۸ مشخص شده است.

پطرس هم در پانیوم است و هم در پنطیکاست. پنطیکاست قانون یکشنبه است و دانیال باب یازدهم آیه شانزدهم نیز قانون یکشنبه است. آیات سیزده تا پانزده باب یازدهم دانیال، پانیوم هستند و آن آیات نمایانگر تاریخ نبوی بیرونی هستند که به قانون یکشنبه منتهی می‌شود، و پطرس در کتاب اعمال رسولان، در ساعت سوم و نهم، نمایانگر تاریخ نبوی درونی است که به قانون یکشنبه منتهی می‌شود. خط بیرونی تاریخ منتهی به نشان وحش را مشخص می‌کند و خط درونی تاریخ مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار را مشخص می‌کند. از آن جا که پطرس در هر دو تاریخ بیرونی و درونی که اکنون در فرایند تحقق است نمادی بسیار مهم است، مناسب بود که پطرس را در بستر نبوی قرار دهیم که در زیر خوانش ظاهری کتاب مقدس جریان دارد.

دوازده پیشگویی مسیحایی که در انجیل متی تحقق یافته شمرده شده‌اند، نمایانگر تاریخ یکصد و چهل و چهار هزار نفرند. «زمان پایان» نشانگر آغاز یک جنبش اصلاحی است، و همان‌گونه که تولد هارون و موسی در خط موسی، آلفای مسیح، نشانه «زمان پایان» بود، تولد یحیی و خویشاوندش، عیسی، نیز در سال ۱۹۸۹ نشانه «زمان پایان» بود. این که بررسی آن دوازده پیشگویی مسیحایی ارزشمند است یا نه، وقتی با طرح پرسشی دیگر در متن قرار گیرد، جذاب‌تر می‌شود. کدام کتاب کتاب مقدس به اندازه انجیل متی این همه تحقق مسیحایی را نشان می‌دهد؟

کار خدا بر روی زمین، از عصری به عصر دیگر، در هر اصلاح بزرگ یا جنبش دینی، شباهتی چشمگیر را نشان می‌دهد. اصول برخورد خدا با انسان‌ها همواره یکسان است. جنبش‌های مهم زمان حاضر در گذشته نظایر خود را دارند، و تجربه کلیسا در اعصار پیشین برای زمان ما درس‌هایی بسیار ارزشمند در بر دارد. مناقشه عظیم، ۳۴۳.

هر جنبش اصلاحی یک نقطه آغاز دارد که در کتاب دانیال «زمان پایان» نامیده شده است. زمان پایان در جنبش اصلاحی مسیح تولد او بود که نمایانگر هر دو سال ۱۷۹۸ و ۱۹۸۹ بود،

نخستین نشانه راه مسیحایی - ۱۹۸۹

و به او گفتند: در بیت لحم یهودیه؛ زیرا چنین به وسیله پیامبر نوشته شده است: و تو، ای بیت لحم، در سرزمین یهودا، در میان امیران یهودا کمترین نیستی؛ زیرا از تو حاکمی بیرون خواهد آمد که بر قوم من، اسرائیل، حکومت خواهد کرد. متی ۵: ۲، ۶.

پیش بینی

اما تو، ای بیت لحم افراته، هرچند در میان طایفه های یهودا کوچک هستی، با این همه از تو کسی برای من برخواهد خاست که در اسرائیل حاکم خواهد بود؛ و اصل و نسب او از دیرباز، از ازل بوده است. میخا ۲:۵

۱۹۸۹ زمان پایان جنبش فرشته سوم بود. این زمان ۱۲۶ سال پس از شورش ۱۸۶۳ فرا رسید و در قالب رونالد ریگان و جرج بوش پدر نمایان شد. زمان پایان در تاریخ موسی، تولد هارون و موسی بود؛ همان گونه که در تاریخ مسیح، زمان پایان، تولد یوحنا تعمیددهنده و مسیح بود. هرگاه کتاب دانیال مهرگشایی شود، همان گونه که در ۱۹۸۹ شد، افزایش دانش پدید می آید. آن افزایش دانش به نشان راه دوم می انجامد و مشخص می کند چه زمانی از دانشی که مهرش گشوده شد، پیام آزمون گری پدید می آید.

هر جنبش اصلاحی نقطه ای را رقم می زند که در آن پیام رسمی می شود و از آن پس به پیامی آزمون گر تبدیل می گردد. مسیح همیشه پیشاپیش آزمون را توضیح می دهد، پیش از آن که مردان و زنان را در برابر آن آزمون مسئول بشمارد. به آدم و حوا از پیش گفته شده بود که اگر نافرمانی کنند چه نتایجی در پی خواهد داشت، و خدا هرگز تغییر نمی کند.

و خداوند خدا به انسان فرمان داد و گفت: از هر درخت باغ آزادانه می توانی بخوری؛ اما از درخت معرفت نیک و بد، از آن مخور؛ زیرا در روزی که از آن بخوری، یقیناً خواهی مرد. پیدایش ۲:۱۶، ۱۷.

ویلیام میلر در سال های ۱۸۳۱ تا ۱۸۳۳ پیام آزمایشی فرشته اول را «صورت بندی» کرد. پیام یکصد و چهل و چهار هزار در ۱۹۹۶ صورت بندی شد، با انتشار مجله «End of the End» که شش آیه پایانی دانیال یازدهم را پوشش می دهد و مهرشان در سال ۱۹۸۹ گشوده شد. در همان سال، نشریه ای با عنوان «Lines» Time Lines نیز منتشر شد و روش شناسی ای را ارائه کرد که بیست و دو برابر قدرتمندتر از قواعدی است که ویلیام میلر به کار گرفته بود. آن قواعد اکنون در نشریه «Keys» بیان شده اند. قواعدی که همه کسانی که پیام فرشته سوم را اعلام می کنند به کار خواهند برد، قواعد میلر هستند.

«کسانی که به اعلام پیام فرشته سوم مشغول اند، کتاب مقدس را طبق همان روشی که پدر میلر به کار گرفت بررسی می کنند.» ریویو اند هرالده، ۲۵ نوامبر ۱۸۸۴.

قواعد میلر آلفا هستند و کلیدهای نبوی امگا. تنها راه موفق شدن در آزمون پیام نبوی، به کارگیری روش شناسی مطالعه ای است که در کلام خدا ترسیم شده است. پیام حقیقی از روش شناسی حقیقی ای که پیام را تثبیت می کند جداشدنی نیست. در هر جنبش اصلاحی، پیام آزمایشی آن نسل عرضه می شود و روش درست را نیز به عنوان عنصری از نشان راه در بر می گیرد. پیام میلر بر مهرگشایی کتاب دانیال استوار بود. پیام او پیام جدعون بود، زیرا آن نیز سپاهی از سیصد نفر پدید آورد.

و او سیصد مرد را به سه گروه تقسیم کرد؛ در دست هر مردی شیپوری گذاشت، و به آنان کوزه های خالی داد و مشعل ها را درون آن کوزه ها نهاد. و به ایشان گفت: به من نگاه کنید و همان گونه عمل کنید؛ و اینک، چون به بیرون اردوگاه برسم، هرآنچه من کنم، شما نیز همان کنید. هرگاه من و همه کسانی که با من اند شیپور بنوازیم، آنگاه شما نیز شیپورها را از هر سو بر تمام اردوگاه بنوازید و بگویید: «شمشیر خداوند و شمشیر جدعون.» داوران ۷:۱۶-۱۸.

پیام میلر «شیپور» و «شمشیر» بود. اما آن، شمشیر هر دو، یعنی جدعون و خداوند، بود. کلام خداوند در سال ۱۶۱۱ منتشر شد و ۲۲۰ سال بعد، میلر پیام فرشته اول خود را منتشر کرد. اعلامیه استقلال

در سال 1776 منتشر شد، و 220 سال بعد، در 1996، پیام فرشته سوم منتشر شد. پیام میلر، پیام درونی فرشته اول برای قوم خدا بود، چنان که در رؤیای رود اولای نمایانده شده است، و گشایش دآوری را اعلام می‌کرد. پیام فرشته سوم فیوچر فور آمریکا، پیام بیرونی قوم خدا است، چنان که در رؤیای رود هیدکل نمایانده شده است، و پایان دآوری را اعلام می‌کند.

روش‌شناسی نبوی با یکی از نبوت‌های مسیحایی که متی آن را تحقق یافته در مسیح شناسایی کرده است نمایان می‌شود و بدین‌سان نمودار سال ۱۸۳۱ است؛ به‌گونه‌ای که «پدر» در سال ۱۹۹۶ نماینده پسرش است. دو شاهد این روش‌شناسی آلفا و امگا هستند و با مشارکت فرستاده انسانی، با هم رابطه پدر و پسری را برقرار می‌کنند که همان رابطه پیام ایلیا در ملاکی است. دل پدر به سوی فرزندان برمی‌گردد و برعکس. قواعد میلر باید با قواعدی که «کلیدهای نبوی» نامیده می‌شوند پیوند بخورند. نور تازه باید بر نور پیشین بنا شود. کسانی که انتخاب می‌کنند از روش‌شناسی ۱۸۳۱ و ۱۹۹۶ بهره نگیرند، ملعون‌اند. یک گروه ملعون است و گروه دیگر مبارک. انتخاب با شماست؟

دومین نشانه مسیحایی - ۱۹۹۶

تا به انجام رسد آنچه به‌وسیله نبی گفته شده بود که می‌گوید: دهان خود را به مثل‌ها خواهم گشود؛ چیزهایی را بیان خواهم کرد که از بنای جهان پنهان مانده است. متی ۱۳:۳۵

پیش‌بینی

دهان خود را به مثل می‌گشایم؛ معماهای روزگار کهن را بر زبان خواهم آورد. مزمور ۷۸:۲

گفته‌های رازآلود؛ مثل‌هایی که شیر قبیله یهودا آنها را «بر زبان می‌آورد»، نمایانگر ارائه‌های خطبه‌خط حقایقی هستند که از بنیاد جهان مهر و موم شده یا پنهان نگه داشته شده‌اند. هنگامی که پیام رسمیت می‌یابد، پس از آن با تحقق یک نبوت توان می‌گیرد که آغاز دوره‌ای از آزمون را نشان می‌دهد.

وقتی باران پسین در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نم‌نم آغاز شد، شورش ۱۸۸۸ و شورش قورح تکرار شد. در شورش مینیاپولیس ۱۸۸۸ و نیز در شورش قورح، پیام‌آوران برگزیده خدا همراه با پیامی که ارائه کردند رد شدند. هم بچه و هم آب وان را با هم دور ریختند. آن‌ها را با این فرض کنار گذاشتند که تمام جماعت به همان اندازه مقدس‌اند که کسانی که خدا برگزیده بود. شورشیان نتوانستند الوهیت را در کنار پیام‌آوران انسانی ببینند. آنچه می‌دیدند فقط خودشان بود؛ انسانیتی تهی از الوهیت، پس پنداشتند همه مثل هم‌اند.

و اما قورح، پسر اصهار، پسر قهات، پسر لاوی، و داتان و ابیرام، پسران الیاب، و اون، پسر پلت، از پسران رئوبین، مردانی را با خود همراه کردند؛ و ایشان با برخی از بنی‌اسرائیل، یعنی دویست و پنجاه تن از سران جماعت، مشهور در مجمع، مردان نامدار، در برابر موسی برخاستند. و بر ضد موسی و بر ضد هارون گرد آمدند و به ایشان گفتند: شما بیش از اندازه بر خود می‌نهیید، زیرا تمامی جماعت، هر یک از ایشان، مقدس‌اند و خداوند در میان ایشان است؛ پس چرا خود را برتر از جماعت خداوند می‌شمارید؟ اعداد ۱:۱۶-۳۱.

شورش قورح، ۱۸۸۸ و ۱۱ سپتامبر به‌عنوان امتناع از تسلیم شدن در برابر انتخاب خدا برای رهبری برگزیده، و در عین حال اعتماد به تعریفی نادرست از جماعت خدا، تصویر می‌شود. ارمیا همین پدیده را بازمی‌شناسد هنگامی که شورشیان ادعا کردند: «هیكل خداوند، هیكل خداوند این‌ها هستند.»

کلامی که از جانب خداوند بر ارمیا آمد، که:

در دروازه خانه خداوند بایست و در آنجا این کلام را اعلام کن و بگو: ای تمامی مردم یهودا که از این دروازه‌ها داخل می‌شوید تا خداوند را پرستش کنید، کلام خداوند را بشنوید. خداوند لشکرها، خدای اسرائیل، چنین می‌گوید: راه‌ها و کردارهای خود را اصلاح کنید و شما را در این مکان ساکن خواهم ساخت. به سخنان دروغین اعتماد نکنید که می‌گویند: «هیكل خداوند، هیكل خداوند، هیكل خداوند، این‌هاست.»

زیرا اگر به راستی راه‌ها و کردارهای خود را اصلاح کنید؛ اگر به راستی عدالت را میان مرد و همسایه‌اش اجرا کنید؛ اگر به غریب و یتیم و بیوه ستم نکنید و خون بی‌گناه را در این مکان نریزید، و در پی خدایان دیگر که مایه زیان شماسست نروید، آنگاه شما را در این مکان ساکن خواهم ساخت، در سرزمینی که به پدران‌تان دادم، تا ابدالآباد.

اینک، شما به سخنان دروغین اعتماد می‌کنید که سودی نمی‌رسانند. ارمیا ۷:۱-۸.

سخنان دروغین یهودیان در دوران ارمیا، همان سخنان دروغین قورح و همدستانش، شورشیان ۱۸۸۸ و البته شورشیان ۱۱ سپتامبر هستند. این‌ها همان دروغ‌هایی هستند که می‌گساران افرایم در اشعیا بیست‌وهشت زیر آن پنهان می‌شوند.

پس کلام خداوند را بشنوید، ای مردان ریشخندگر که بر این قوم که در اورشلیم است حکومت می‌کنید. زیرا گفته‌اید: با مرگ پیمان بسته‌ایم و با دوزخ به توافق رسیده‌ایم؛ هرگاه تازیانه سیل‌آسا بگذرد، به ما نخواهد رسید؛ زیرا دروغ را پناهگاه خود ساخته‌ایم و زیر پوشش دروغ پنهان شده‌ایم. اشعیا ۲۸:۱۴، ۱۵.

این نیز همان دروغی است که نشان‌دهنده نبود محبت به حقیقت است؛ همان که در دوم تسالونیکیان موجب گمراهی شدید می‌شود.

و به این سبب، خدا بر آنان نیروی گمراه‌کننده‌ای می‌فرستد تا دروغ را باور کنند؛ تا همه آنان که حقیقت را باور نکردند، بلکه در ناراستی لذت بردند، محکوم شوند. دوم تسالونیکیان ۲:۱۱، ۱۲.

«سخنان دروغین» بیانگر این اندیشه ابلهانه‌اند که نجات در کلیسا یافت می‌شود، نه در پیام‌آوران برگزیده و پیام‌های برگزیده آنان. پیوند میان خدا و انسان تنها از طریق کلام او برقرار و حفظ می‌شود. او کلام است و هیچ‌کس جز به واسطه کلام نزد پدر نمی‌آید. مسیح از طریق پیام‌آوران برگزیده‌اش و پیامی که عرضه می‌کنند نمایان می‌شود. باور خلاف این، دشمنی با حقیقت و باور دروغ است. ارمیا یهودیانی را که به هیكل اعتماد داشتند محکوم می‌کند و شیله را به آنان یادآوری می‌کند؛ جایی که از زمان ورود به سرزمین موعود، تابوت خدا در آن قرار داشت.

از این رو با این خانه‌ای که به نام من خوانده شده است و شما به آن توکل دارید، و با مکانی که آن را به شما و پدران‌تان دادم، همان خواهم کرد که با شیله کردم. و شما را از حضور خود بیرون خواهم افکند، چنان‌که همه برادرانتان، بلکه تمام ذریت افرایم را، بیرون افکنم. پس برای این قوم دعا مکن، نه فریاد و نه دعا برای ایشان بلند کن، و نزد من شفاعت مکن؛ زیرا تو را نخواهم شنید. ارمیا ۷:۱۴-۱۶.

عیلی شیریر و دو پسر شیریرش، حفنی و فینحاس، با قورح، داتان و ابیرام موازی و همسو هستند، زیرا اجازه دادند ارتدادی فزاینده شکل بگیرد تا آن‌که مهلت فیض بسته شد و هر سه در همان روز مردند؛ همان‌گونه که قورح، داتان و ابیرام نیز مردند. همه آنان در زمان قانون یکشنبه خواهند مرد!

در ۱۱ سپتامبر، شورش قورح و شورش عیلی، شورش یهودیان در شهادت ارمیا و نیز شورشیان سال ۱۸۸۸ پیام و پیام‌آوران آن دوره را رد کرده و بر آن‌ها می‌شورند. آن دوره پس از دو آزمون، در هنگام

قانون یکشنبه به پایان می‌رسد. نخستین آزمون از ۱۱ سپتامبر تا ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ است، و آزمون دوم، تصفیه و مهر شدن است که با پیام فریاد نیمه‌شب نمایانده می‌شود. از دل آن فرایند تطهیر، جدعون و سیصد نفر او برای نواختن شیپورهایشان آماده می‌شوند، و این کار را زمانی انجام می‌دهند که سموئیل در هنگام قانون یکشنبه برانگیخته می‌شود، که همان زمانی است که تابوت عهد به دست فلسطیان اسیر می‌شود. آنگاه کلیسای پیروزمند همچون علمی برافراشته می‌شود.

آن کلیسا پادشاهی دارد به نام داوود، و پیامبری که به وسیله حزقیال و سموئیل، در هنگام سقوط شیلو، نمایانده می‌شود. کلیسا همچنین کهناتی خواهد داشت که یوسف نماینده آن است. زمان آزمون قانون یکشنبه همان هنگامی است که آتش روح‌القدس بی اندازه فرو ریخته می‌شود، چنان که مهر هفتم نمایانگر آن است. آن آتش مردان نامداری را که همراه قورح، داتان، ابیرام، عیلی، حفنی، فینحاس و شورشیان ۱۸۸۸ به شورش برخاستند، نابود می‌کند.

همان آتش افاضه روح‌القدس، پس زمینه درام کلیسای پیروزمند است. کلیسا توسط داوود پادشاه، حزقیال نبی و یوسف کاهن نمایندگی می‌شود. آن سه در آتشی ایستاده‌اند که آن دویست‌وپنجاه مرد نامدار را نابود می‌کند، همان‌گونه که آتش نیوکدنصر مردانی را که آن سه مرد پارسا را به کوره افکندند نابود کرد. در مقام کلیسای پیروزمند، تمام جهان نظاره می‌کند که آنان به کوره آتش افکنده می‌شوند، و ناگهان پسر خدا همراه با نبی، کاهن و پادشاه کلیسا—که به وسیله شدراک، میشک و عبدنعو نمایانده شده‌اند—ظاهر می‌شود. چهار نفر سی‌ساله در کوره آتش، نمایانگر این حقیقت‌اند که الوهیت آمیخته با انسانیت گناه نمی‌کند!

قورح، داتان و ابیرام، که همان عیلی، حفنی و فینحاس نیز به‌شمار می‌آیند، بدلی کلیسای ظفرمند هستند که از نبی، کاهن و پادشاه تشکیل شده است. آن سه، سیصد نفر جدعون، سه هزار نفس در پنتیکاست، سیصد واعظ میلیتری و سیصد نمودار ۱۸۴۳ هستند؛ آنان هنگام رسیدن قانون یکشنبه، سی‌ساله‌اند و آتش از آسمان فرود می‌آید. در ماجرای ایلیا، آتش برای تمایز میان انبیای راستین و دروغین بود. آتشی که در لاویان در روز "هشتم"، وقتی هارون آغاز به خدمت می‌کند، فرو می‌آید، قربانی هارون را می‌سوزاند؛ همان قربانی ملاکی باب سه که مانند سال‌های پیشین خوشایند است. همان آتش کسانی را که آتش بیگانه یا عادی تقدیم می‌کنند نابود می‌سازد، چنان‌که حفنی و فینحاس، پسران هارون، نمایانگر آن‌اند.

هرگاه خدا نبی حقیقی را به وسیله ایلیا و کاهن حقیقی را به وسیله هارون تأیید می‌کند، آتش به مرگ پیامبران دروغین بدل می‌انجامد، یعنی همان حفنی و فینحاس. حفنی و فینحاس پسران هارون‌اند؛ آنان آخرین نسل قوم عهد هستند که در هنگام قانون یکشنبه از دهان خداوند قی می‌شوند.

«این‌ها سخنان خواهر وایت نیست، بلکه سخنان خداوند است، و فرستاده او آن‌ها را به من سپرده تا به شما برسانم. خدا از شما می‌خواهد دیگر با او در تضاد کار نکنید. درباره مردانی که ادعای مسیحی بودن دارند، تعلیمات بسیاری داده شد: آنان در حالی که صفات شیطان را آشکار می‌سازند، با روح، کلام و کردار خود با پیشرفت حقیقت مقابله می‌کنند و بی‌گمان همان راهی را می‌پیمایند که شیطان ایشان را بدان می‌کشاند. در سنگدلی خود، اختیاری را چنگ زده‌اند که به هیچ‌وجه از آن ایشان نیست و نباید آن را اعمال کنند. معلم بزرگ می‌گوید: "واژگون خواهم کرد، واژگون خواهم کرد، واژگون خواهم کرد." در بتل کریک می‌گویند: "هیكل خداوند، هیكل خداوند، ما هستیم"، اما ایشان از آتش معمولی استفاده می‌کنند. دل‌هایشان به فیض خدا نرم و مطیع نشده است.» مجموعه دست‌نوشته‌های منتشرشده، جلد ۱۳، ص ۱۳، ص ۲۲۲.

«آتش معمولی» همان چیزی است که پسر هارون هنگام آغاز کهنات به کار برد. عدد «81» نمادی از کهنات است و در کتاب لاویان باب هشت، آیه یک، هفت روز تطهیر و تقدیس کاهن به تصویر کشیده

شده است. لباس‌هایشان درآورده می‌شود و با جامه‌های کاهن اعظم آسمانی جایگزین می‌شوند، چنان‌که در رؤیای زکریا درباره یوشع و فرشته در باب سوم نشان داده شده است. عدد 300 در زکریا به صورت «مردانی که مایه شگفتی‌اند» بازنمایی شده است، زیرا آنان در تاریخ نمایانگر زمانی هستند که خدا گناهان قوم خود را برمی‌دارد، که همان قانون یکشنبه است، زمانی که کلیسا از حالت جنگجو به پیروزمند دگرگون می‌شود. پس از هفت روز تقدیس، آنان در روز هشتم خدمت را آغاز کردند.

و شما به مدت هفت روز از در خیمه اجتماع بیرون نروید، تا روزهای تقدیس شما به پایان رسد؛ زیرا او شما را به مدت هفت روز تقدیس خواهد کرد. لاویان ۸:۳۳

روز هشتم، نماد «هشتمی که از آن هفت است»، نماد تبدیل لاودیکیه به فیلادلفیا، نماد هشت نفر در کشتی نوح، نماد روز هشتم ختنه، و نماد روز هشتم رستاخیز است. آن روز همان قانون یکشنبه است، هنگامی که زخم مرگبار پاپیت التیام می‌یابد و بنابراین با زنده شدن، به هشتمی بدل می‌شود که از آن هفت است.

و واقع شد در روز هشتم که موسی هارون و پسرانش و مشایخ اسرائیل را خواند. لاویان ۹:

در روز هشتم، کاهنان آغاز به خدمت کردند، اما پسران هارون «آتش عادی» تقدیم کردند. ادونتیست‌ها ادعا می‌کنند که آنان هیکل خداوند هستند، و خواهر وایت آن ادعا را آتش عادی نامید. این نه تنها دروغ است، بلکه در برابر آتش مقدس، آتش عادی است. آتش مقدس پیام فریاد نیمه‌شب است، و آتش عادی پیام جعلی «صلح و امنیت» است که آخرین پیامی خواهد بود که توسط سگ‌های لالی که از پارس کردن و دادن پیام هشدار سر باز زدند اعلام خواهد شد. در فصل نهم، هارون قربانی را تقدیم می‌کند و آتشی از آسمان فرود می‌آید و قربانی را می‌سوزاند. سپس دو پسر شرورش آتش عادی تقدیم می‌کنند و آتش خدا آنان را می‌سوزاند.

و هارون دست خود را به سوی قوم برافراشت و ایشان را برکت داد، و پس از تقدیم قربانی گناه و قربانی سوختنی و قربانی‌های سلامتی، فرود آمد. و موسی و هارون به خیمه اجتماع درآمدند و بیرون آمدند و قوم را برکت دادند؛ و جلال خداوند بر تمامی قوم ظاهر شد. و آتشی از نزد خداوند بیرون آمد و قربانی سوختنی و پیه را بر مذبح سوزانید؛ و چون تمامی قوم این را دیدند، فریاد برآوردند و به رو بر زمین افتادند. و ناداب و ابیهو، پسران هارون، هر یک مجمره خود را گرفته، آتش در آن نهادند و بخور بر آن گذاشتند و آتش بیگانه نزد خداوند تقدیم کردند، که او ایشان را بدان امر نکرده بود. پس آتشی از نزد خداوند بیرون آمد و ایشان را فروگرفت و در حضور خداوند مردند. لاویان 9:22-10:2.

مردان بتل کریک سنهدرین امروزی‌اند که به ساختار کلیسایی خود بیش از پیام شاهد راستین به لائودیکیه اعتماد دارند. شاهد راستین خطاب به لائودیکیه مسیح است و او هرگز تغییر نمی‌کند و همواره از مردانی که خود برگزیده است استفاده کرده تا پیام را به مردمی برساند که ویژگی‌های لائودیکیه را از خود نشان می‌دادند. زیر آفتاب هیچ چیز تازه‌ای نیست.

او موسی را برگزید؛ کسی که به‌تنهایی به‌دست خدا به مدت چهل سال تعلیم یافته بود، همان‌گونه که عیسی و عموزاده‌اش یحیی تعلیم یافته بودند. او موسی، مسیح و یحیی را به‌عنوان نمونه‌هایی از کسانی برگزید که بیرون از نظام آموزشی رسمی تعلیم دیده بودند. ناصرت نماد شخص برگزیده‌ای است، همان‌گونه که تازه‌به‌دوران‌رسیده‌های جدید؛ جونز و واگنر در شورش ۱۸۸۸ مینیاپولیس، بودند. ناصرت نمایانگر دعوت و تقدیس مردی برگزیده است، اما آن مرد برگزیده شهروند شهری است که خوار شمرده می‌شود.

نتنائیل به او گفت: آیا می‌تواند چیزی نیکو از ناصره بیرون آید؟ فیلیپ به او گفت: بیا و ببین. یوحنا ۱:۴۶

زبان‌های لکنت‌دار اشعیا ۲۸ نمایانگر کسانی هستند که از ناصره آمدند. پس از رسمیت یافتن پیام میلر در سال ۱۸۳۱، این پیام با تحقق نبوت «وای دوم» قدرت گرفت؛ و این تحقق، نمونه‌وار تحقق نبوتی از «وای سوم» در ۱۱ سپتامبر بود. در مقاله بعدی به سومین نبوت مسیحایی خواهیم پرداخت.

سه شب پیش از آن‌که دفتر ریویو بسوزد، در رنجی بودم که زبان از توصیفش عاجز است. نمی‌توانستم بخواهم. در اتاق قدم می‌زدم و به خدا دعا می‌کردم که بر قوم خود رحم آورد. سپس چنان می‌نمود که در دفتر ریویو بودم، با مردانی که مدیریت مؤسسه را بر عهده دارند. می‌کوشیدم با آنان سخن بگویم و بدین‌سان به ایشان یاری رسانم. یکی از صاحبان اختیار از جا برخاست و گفت: «شما می‌گویید: هیکل خداوند، هیکل خداوند، ما هستیم؛ پس اختیار داریم این کار و آن کار و کارهای دیگر را انجام دهیم. اما کلام خدا بسیاری از کارهایی را که قصد انجام‌شان را دارید منع می‌کند.» در نخستین ظهور خود، مسیح هیکل را پاک کرد. پیش از دومین ظهور خود، بار دیگر هیکل را پاک خواهد کرد. او آن‌جا مشغول پاک کردن هیکل بود. چرا؟ زیرا فعالیت‌های تجاری به آن راه یافته بود و خدا فراموش شده بود. با شتابی این‌جا و شتابی آن‌جا و شتابی جای دیگر، وقتی برای اندیشیدن به آسمان نبود. اصول شریعت خدا بیان شد، و شنیدم که این پرسش مطرح شد: «تا چه اندازه شریعت را اطاعت کرده‌اید؟» سپس این کلام گفته شد: «خدا در ناخشنودی خویش هیکل خود را پاک و تطهیر خواهد کرد.»

در رؤیاهای شبانه دیدم که شمشیری آتشین بر فراز بتل کریک آویخته بود.

ای برادران، خدا با ما جدی است. می‌خواهم به شما بگویم که اگر پس از هشدارهایی که در این آتش‌سوزی‌ها داده شده است، رهبران قوم ما همچنان، چنان‌که در گذشته کرده‌اند، به راه خود ادامه دهند و به خودبزرگ‌بینی بپردازند، خدا در مرحله بعد تن‌ها را خواهد گرفت. به همان یقینی که او زنده است، با زبانی با آنان سخن خواهد گفت که نتوانند آن را نفهمند.

"خدا بر ما نظر دارد تا ببیند آیا همچون کودکان خردسال در برابر او فروتن خواهیم شد. اکنون این سخنان را می‌گویم تا با فروتنی و ندامت نزد او بیاییم و دریابیم که از ما چه می‌طلبد." Publishing Ministry, 170, 171

پیام برای این زمان این نیست: «هیکل خداوند، هیکل خداوند، هیکل خداوند، ما هستیم.» خداوند چه کسانی را به عنوان طرف‌هایی برای کرامت می‌پذیرد؟ کسانی که با مسیح همکاری می‌کنند؛ کسانی که به حقیقت ایمان دارند، که حقیقت را زندگی می‌کنند، که حقیقت را در همه ابعادش اعلام می‌کنند. ریویو اند هرالد، ۲۲ اکتبر ۱۹۰۳.

«این‌ها سخنان خواهر وایت نیست، بلکه سخنان خداوند است، و فرستاده او آن‌ها را به من سپرده تا به شما برسانم. خدا از شما می‌خواهد دیگر با او در تضاد کار نکنید. درباره مردانی که ادعای مسیحی بودن دارند، تعلیمات بسیاری داده شد: آنان در حالی که صفات شیطان را آشکار می‌سازند، با روح، کلام و کردار خود با پیشرفت حقیقت مقابله می‌کنند و بی‌گمان همان راهی را می‌پیمایند که شیطان ایشان را بدان می‌کشاند. در سنگدلی خود، اختیاری را چنگ زده‌اند که به هیچ‌وجه از آن ایشان نیست و نباید آن را اعمال کنند. معلم بزرگ می‌گوید: "واژگون خواهیم کرد، واژگون خواهیم کرد، واژگون خواهیم کرد." در بتل کریک می‌گویند: "هیکل خداوند، هیکل خداوند، ما هستیم"، اما ایشان از آتش معمولی استفاده می‌کنند. دل‌هایشان به فیض خدا نرم و مطیع نشده است.» مجموعه دست‌نوشته‌های منتشرشده، جلد ۱۳، ص ۱۳، ص ۲۲۲.